

## دهمین انتخابات ریاست جمهوری، از نظارت ملی تا نظارت بین المللی - مقاومت در برابر تبعیض

مهران براتی

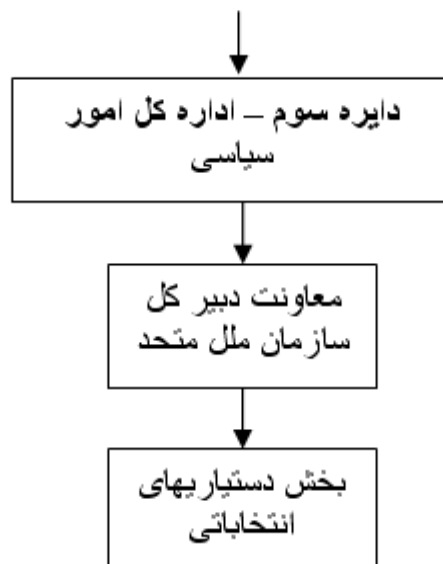
اگر حق و وظیفه "پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی" و تعبیر چگونگی و حدود برخورداری از حقوق مندرج در آن به شورای نگهبان محول شده، و این شورا خود در وابستگی مستقیم به ولایت فقیه منتصب می شود، پس کدام نهاد حقوقی و غیر وابسته می تواند در مورد شکایات مربوط به نقض قانون و تجاوز به حقوق اساسی شهروندان تصمیم گیرنده باشد؟ چنین نهادی در قانون اساسی ایران پیش بینی نشده و به همین دلیل در خواست نظارت نهاد ذیصلاح سازمان ملل متحد بر انتخابات، کاملاً مشروع است

در تاریخ نظارت بر انتخابات اولین بار ناظرین دیپلمات از کشورهای فرانسه، بریتانیای کبیر، روسیه، پروس، اتریش - مجارستان و ترکیه شاهد همه پرسی از مردمان سرزمین هایی شدند، که در به هم پیوستنشان به سال ۱۸۵۹ کشور رومانی امروز پا به عرصه حضور ملل گذارد. این همه پرسی برای انتخاب میان شهروندان ماندن و کشور - ملت شدن بود. در آن زمان هنوز مسئله حق انتخاب میان مدعیان اعمال قدرت حکومتی مطرح نبود.

در تاریخ مدرن کشور - ملت ها اعلامیه جهانی حقوق بشر، که ۱۹۴۸ میلادی به تصویب ملل عضو رسید، پایه گذار حق شهروندی برای انتخاب کردن قانونگذاران و مدعیان اعمال قدرت حکومتی، انتخاب شدن برای این سمت ها و مشروعیت بخشیدن به نظارت بین المللی بر انتخابات شد. بخش ۳ از ماده ۲۱ این اعلامیه می گوید: "اراده ی مردم، اساس قدرت حکومت است: این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به طور ادواری صورت می پذیرد. انتخابات باید عمومی، با رعایت مساوات و با رأی مخفی یا به طریقه ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند." و در بخش یک تصریح می کند: "هر شخصی حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، مستقیماً یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید". سازمان ملل متحد همین جا تصریح می کند "نظارت بر انتخابات شفاف ترین و بهترین روش برای پیشبرد و پابرجایی دموکراسی و تضمینی است برای رعایت حقوق بشر."

در پی تحولات سیاسی - بین المللی و مبارزه ملت ها برای آزادی و دموکراسی در پایان دهه ۸۰ میلادی فکر نظارت بر انتخابات در سطوح بین المللی به عنوان "امداد دموکراسی" پا گرفت و یاری رسانی به برگزاری انتخابات آزاد، به عنوان رکنی از ارکان دموکراسی، در فریافت های سیاست خارجی کشورهای دموکراتیک جای گرفت. در سال ۱۹۹۲ بنا به درخواست اعضای سازمان ملل متحد نهاد نظارت بر انتخابات در "دایره امور سیاسی Department of Political Affairs" این سازمان به وجود آمد.

### سازمان ملل متحد



## نظارت بر انتخابات و کمک به دموکراسی سازی

از سال ۱۹۷۴ به این سو بیش از ۹۰ کشور دنیا به تدریج به دموکراسی روی آورده‌اند و امروزه بیش از هفتاد درصد کشورهای مستقل جهان با شیوهی دموکراسی اداره می‌شوند. سازمان ملل متحد در این فرایند از ۱۹۹۳ به بعد با ایجاد دایره دستگیری و یا "امداد انتخابات" پاسخگوی درخواست کمک ۶۵ کشور، از آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا و کشورهای برآمده از امپراطوری اتحاد جماهیر شوروی در اروپا، برای برگزاری انتخابات شد. این کمک‌ها با هدف آماده‌سازی و ایجاد ابزارهای سازماندهی اداری و تکنیکی، انجام و ارزش‌یابی نهایی انتخابات انجام می‌گیرند. به عنوان نمونه برای سازماندهی و نظارت بر انتخابات آفریقای جنوبی سازمان ملل متحد تنها ۲۵۰۰ نفر ناظر به این کشور فرستاد تا شاهد منصف و دستیار انتخاباتی باشند، که نشان از پایان دوران تبعیض نژادی و آغاز احترام به حقوق برابر شهروندی داشت.

نظارت سازمان ملل بر انتخابات در یک کشور علاوه بر فراهم کردن مقدمات، انجام و کنترل آن بیانگر توجه جامعه جهانی به توسعه دموکراسی یک کشور بوده و ابزار مهمی است در پیشبرد حقوق مدنی و سیاسی شهروندان آن کشور. فراسوی "امداد انتخاباتی" سازمان ملل متحد فعالیت‌های خود را در جهت حمایت از روند دموکراسی‌سازی در کشورهای عضو گسترش داد، برای کمک به

• گذار از جنبش‌های آزادیبخش به احزاب سیاسی

• گذار به نظام چند حزبی و تربیت شهروندی

• دستیابی نیروهای اجتماعی به رسانه‌ها

• ایجاد و توسعه رسانه‌های مستقل

• تقویت ساختارهای دموکراسی حکومتی

• تشویق پلیس و ارتش به حفظ حرمت حقوق بشر

• سیاست‌زدایی در نخبه‌های حاکم نظامی، و

• ایجاد نهادهای لازم برای توسعه اجتماعی

وظایف نهاد امداد و یا دستگیری انتخاباتی سازمان ملل متحد بدین ترتیب بسیار فراتر از حضور تعدادی ناظر در شعبه‌های انتخاباتی در زمان رای‌گیری و شمارش آرا است. و این خود دلیل اصلی برای امتناع از دعوت ناظرین بین‌المللی برای حضور در انتخابات از طرف حکومت‌هایی است که از مشروعیت لازم دموکراسی برخوردار نیستند و یا اینک رسماً استبداد حکومتی را مشروع میدانند.

مشکل نظارت بین‌المللی، سازماندهی و وظایف ناظرین بر انتخابات

اعزام ناظرین انتخاباتی از طرف سازمان ملل متحد بر هر کشوری مشروط به دعوت رسمی و به هنگام دولت مربوطه و فرض وجود امنیت در آن کشور است. بدون دعوت داوطلبانه هر کشوری امکان اعزام هیچ ناظری از طرف سازمان ملل نیست. چنانچه چنین دعوتی نیز از سازمان ملل انجام گیرد، ناظرین تنها زمانی وظیفه نظارت و دستگیری را به عهده می‌گیرند که شرایط اولیه برای انجام انتخابات دموکراسی در آن کشور وجود داشته باشد، که عبارتند از قانون انتخابات دموکراسی، ثبت نام قابل کنترل از حائزین حق رای و شرکت آزاد تمامی احزاب سیاسی در نظر‌سازی شهروندان پیش از انجام انتخابات. اعزام ناظرین بین‌المللی به علاوه مشروط به امکان عملی همکاری میان اعضای هیئت ناظر از کشورهای گوناگون و ممنوعیت جلوگیری از اقدامات لازم برای هماهنگی در فعالیت‌های آنهاست.

وظایف ناظرین: پیش از انتخابات

• تایید بی‌طرف بودن نهاد مسنول انتخابات

• وجود لیستی از انتخاب‌کنندگان و امکان ثبت نام در این لیست برای تمامی واجدین شرایط

پیرامون انتخابات

• وجود آزادی عقیده و اجتماعات

• امکان دسترسی کاندیدها به رسانه‌ها

در زمان انتخابات: شیوه انتخابات

• مخفی بودن رای‌نویسی در مکان‌های رای‌گیری

• تعیین ساعات رسمی برای باز بودن مکان های رای گیری

• دقیق بودن ساعت ها در محل رای گیری

پیرامون انتخابات

• نبود ارباب و اعمال نفوذ در محل رای گیری و بیرون از آن

پس از انتخابات: شیوه انتخابات

• واگذاری صندوق رای به کمیسیون شمارش آرا

• شمارش کنترل شده آرا

• انعکاس نتایج از طرف نهاد شمارش کننده

پیرامون انتخابات

• رسیدگی قانونی به ایرادات و اتهامات

امکان نظارت غیر رسمی بر انتخابات

دولت ها به تجربه تنها زمانی از نهادهای نظارتی بین المللی (سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، پارلمان اروپا، سازمان اروپایی برای امنیت و همکاری و یا کشورهای دموکراتیک معینی) برای نظارت بر انتخابات کشور خود دعوت می کنند، که حد اقل معیارهای انتخابات آزاد را پذیرفته باشند و دولت مرکزی برای مبارزه با نقض حقوق انسانی و اساسی شهروندان کشور خود تلاش های قابل توجهی را انجام داده باشد. اگر این نباشد نهادهای بین المللی خود به خود چنین درخواستی را جدی نمی گیرند و بی اعتنا از آن می گذرند. در سال ۱۹۹۰ کشورهای عضو سازمان همکاری و امنیت در اروپا بیانیه کپنهاگ را تصویب کردند که بنا بر آن، انتخابات و رای گیری برای تعیین قوه مقننه و یا مجریه و یا... می باید واجد هفت شرط اصلی باشد: ۱. جهانشمولی، ۲. برابری، ۳. درستی، ۴. مخفی، ۵. آزاد، ۶. شفاف ۷. بازخواست پذیر.

دولت هایی که در نیمه راه پذیرش حقوق اساسی شهروندان خود مانده اند تنها پس از فشار گسترده سازمان های بین المللی پذیرای نظارت نهادهای مشروع بین المللی بر انتخابات می شوند. در عین حال این روش هم تجربه شده است که نهاد های مدنی و فعال کشورهای "نیمه نیمه" برای ایجاد امکان نظارت حداقلی بر انتخابات و گزارشگری، به جامعه جهانی با توسل به شیوه های غیر رسمی، مبتکر دعوت از سازمانهای همجنس در کشورهای دموکراتیک می شوند. حضور غیر رسمی ناظرین، چنانچه عملی باشد، کمتر از حضور رسمی موثر نیست. اینگونه ناظرین تنها با حضور فیزیکی خود می توانند احتمالاً مانع تهدید و اعمال زور شده، از تقلب در آرا تا حدی جلوگیری نموده، دخل و تصرف و تحریفات ممکن را فاش سازند.

بایسته های انتخابات آزاد و موانع ساختاری و حقوقی آن در جمهوری اسلامی ایران

پس از فروپاشی اردوگاه اروپایی کمونیسم در سال ۲۰۰۰ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در پاسخ به کشورهای بر آمده از نظام های تک حزبی پیشین، که ادعای برگزاری انتخابات آزاد را داشتند، صریحاً انتخابات آزاد را مشروط به امکان برخورداری از حق رای عمومی در "یک روند آزاد و عادلانه... با حق شرکت احزاب متعدد" دانست. مهمتر اینکه کمیسیون حقوق بشر تاکید داشت که نباید هیچگونه سوء استفاده از منابع دولتی در مبارزات انتخاباتی وجود داشته باشد و تمامی احزاب و نامزدها باید از امکان مساوی برای ایجاد ارتباط با رای دهندگان و کسب حمایت آنان برخوردار باشند.

در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری در ایران نگرانی از نبود سلامت انتخاباتی و صیانت از آرای شهروندان بزرگترین دغدغه است. ریشه مشکل در اینجاست که در قوانین اساسی، انتخاباتی و اجرایی نهادهای قانونی - اجرایی، نظارتی و قضایی ایران با خواست فرد اول نظام و یا اعضای شورای نگهبان و حامیان سیاسی آنان همجنس و هم منفعت شده اند. در اصل نود و هشتم قانون اساسی اختیار تفسیر این قانون به شورای نگهبان محول شده است و پیش از آن در اصل نود و یکم چنین آمده: "به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات، مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود. ۱ - شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسایل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است. ۲ - شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رییس قوه قضاییه (که طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی او خود نیز از طرف رهبر به این سمت منتصب می شود) به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند و با

رای مجلس انتخاب می گردند". اگر حق و وظیفه "پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی" و تعبیرچگونگی و حدود برخورداری از حقوق مندرج در آن به شورای نگهبان محول شده، و این شورا خود در وابستگی مستقیم به ولایت فقیه منتصب می شود، پس کدام نهاد حقوقی و غیر وابسته می تواند در مورد شکایات مربوط به نقض قانون و تجاوز به حقوق اساسی شهروندان تصمیم گیرنده باشد؟ چنین نهادی در قانون اساسی ایران پیش بینی نشده و به همین دلیل در خواست نظارت نهاد ذیصلاح سازمان ملل متحد بر انتخابات، به عنوان نهاد ناظر بر اعمال حقوق بشر و حقوق برخاسته از معاهدات مربوط به حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی در کشورهای متعهد به آن، از هر طرف که باشد کاملاً مشروع است.

قوانین انتخاباتی ایران شرط نامزدی برای انتخاب شدن را "ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت فقیه" (انتخابات مجلس) و "مومن و معتقد بودن) به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور" (انتخابات ریاست جمهوری) قید می کنند، که در مورد دوم نیز "وفاداری به اصل مترقی ولایت فقیه" مستتر است. مسئله اساسی در این قانون وجود مذهب رسمی در کشور نیست، که در برخی از کشورهای غربی نیز از "مذهب رسمی" نام برده شده، بدون آنکه وابسته بودن به "مذهب رسمی" کار برد ویژه ای در برخورداری از حقوق مدنی داشته باشد. مشکل مرکزی مشروط کردن حق انتخاب شدن به پذیرفتن حقوق فراقانونی یک فرد در نظام حکومتی و وابسته بودن به "مذهب رسمی" است. در هر دو مورد تناقضی غیر قابل اغماض با مواد متعدد اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد :

ماده دوم : هر کس میتواند بدون هیچ تمایز - خصوصاً از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و...، از تمام حقوق و کلیه ی آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد .  
ماده بیست و یکم :

(۱) هر کس حق دارد در اداره ی امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید .

(۲) هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید .

آخرین ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر تاکید بر عدم مشروعیت تفسیرهایی دارد که ناظر بر نقض حقوق و آزادیهای فردی و جمعی شهروندان یک کشورند:

ماده سی ام : هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولت ، جمعیت یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در راه آن فعالیتی نمایند.  
مواد هفتم و هشتم این اعلامیه حمایت قانون از کسانی را که مورد تبعیض قرار گرفته اند و امکان "رجوع موثر به محاکم ملی صالحه" برای دستیابی به حقوق قانونی آنان را الزام آور می کند:

ماده هفتم : همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و هر تحریکی که برای اعمال چنین تبعیضی انجام شود از حمایت قانون برخوردار شوند .

ماده هشتم : در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله ی قانون اساسی و یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه را دارد .

جدا از موانع ساختاری و حقوقی برشمرده در قانون اساسی، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (با تغییرات سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶) در ماده ۳۰ دوازده گروه را از داوطلب شدن برای نمایندگی مجلس محروم میکند، که این دوازده گروه از حق نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری نیز محرومند: از جمله "وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب، سازمانها و گروههایی که غیر قانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده است" و نیز " کسانی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم شده اند". در ۳۰ سال گذشته کم و بیش تمامی احزاب، سازمان ها و گروههای سیاسی "غیرخودی" مهر غیرقانونی خورده، خواست های مشروع این گروهها به عنوان اقدام علیه جمهوری اسلامی تلقی شده و مشمول پیگرد و سرکوب شده اند.

مشکل نظارت ملی بر انتخابات در بررسی تطبیقی

از آنجا که در نظام سیاسی و حقوقی ایران دادگاه قانون اساسی بر ای رسیدگی به شکایات شهروندان و رفع موارد موجود نقض آن وجود ندارد، بنا بر منطق ساختاری قانون اساسی می بایستی این نقش به شورای نگهبان و قوه قضائیه محول می شد. این که این نشد خود نشان از فرادست بودن حقوق یازدهگانه ای دارد که به رهبری نظام و نهادهای وابسته به آن، در قیاس با حقوق قابل دادخواهی شهروندان، داده شده است .

در هیچ یک از نظامهای سیاسی قابل مقایسه با ایران سرنوشت تمامی نهادهای قانونگذاری، اجرایی، قضایی و اطلاع رسانی به یک فرد واگذار نشده است. در ساختار حقوقی - سیاسی قانون اساسی شورای نگهبان در بهترین حالت نهادی است معلق میان حق، قانون و التزام وفاداری به منشاء حضور خود در شبکه های مرتبط و متصل به نهاد ولایت فقیه. آخرین حلقه کارساز در شبکه ها و وابستگی های متقابل سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است که رئیس آن نیز منتصب رهبری نظام است و به این صفت نمی تواند رسانه مستقل خبر رسانی و نظر سازی باشد. تجربه سی ساله انتخابات نشان می دهد، که اصل نظارت بی طرفانه در شورای نگهبان، نهاد های ذیصلاح قوه مجریه و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اصل پذیرفته شده و پایداری نبوده است و به همین دلیل بی اعتمادی به سلامت انتخابات حتی در میان مدافعین پر و پا قرص نظام شیوع یافته است. این گفته فقط یک ادعا نیست. در مرداد ماه ۱۳۸۷، زمانی که آقای احمدی نژاد وزیر کشور جدید دولت خود (آقای کردان) را برای دریافت رای اعتماد به مجلس پیشنهاد کرد، علیرضا زاکانی، مسئول سابق بسیج دانشجویی کشور و نماینده اصولگرای مجلس هشتم از تهران، با انتصاب وزیری که قرار بود انتخابات ریاست جمهوری را نیز سازماندهی کند مخالفت نمود. زاکانی می گوید: "وزیر پیشنهادی کشور معتقد است که نظام ولایی است و نیازی به انتخابات وجود ندارد." و این درست بیان کننده مشکل اساسی و ساختاری قانون اساسی و قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران است .

البته در ایران هنوز انواع گوناگون انتخابات انجام می گیرند، ولی اصل نظارت نمایندگان نامزدهای انتخاباتی به عنوان بخش تعریف شده قانونی با مشروعیت و حقوق لازم پذیرفته شده نیست. در اواخر فروردین ماه ۱۳۷۶، زمانی که ۲۸ تن از نمایندگان دوره پنجم مجلس ماده واحده ای را در رابطه با حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری به عنوان ناظرین شعب اخذ رای، به منظور برگزاری بهتر و صحیح تر انتخابات، به تصویب مجلس رساندند، شورای نگهبان ماده واحده مصوبه مجلس را مغایر با اصل ۹۹ قانون اساسی شناخت و آن را با این استدلال رد کرد: در ماده واحده به لحاظ اینکه نمایندگان مجلس نامزدها را بعنوان ناظر معرفی نموده اند، مصوبه اشان مغایر با اصل ۹۹ قانون اساسی شناخته می شود. در توضیح استتالی این تصمیم چنین گفته شد: "بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی که مقرر می دارد: "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را برعهده دارد"، لذا شورای نگهبان به عنوان مرجع فصل الخطاب و عالی انتخابات می باشد. از آنجایی که امر نظارت بر انتخابات از قواعد بنیادین می باشد، در غالب قوانین اساسی کشورها مرجع و ناظر بر انتخابات و فصل الخطاب انتخابات مشخص شده است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنها شورای نگهبان به عنوان این مرجع انجام وظیفه می کند لذا قوانین عادی نمی توانند فرد یا مرجع دیگری را به عنوان ناظر بر انتخابات قرار دهند چرا که تکلیف مقام مرجع نظارت بر انتخابات در قانون اساسی مشخص شده است و قانون عادی نمی تواند مغایر قانون اساسی باشد ."

بر همین روال در آیین نامه اجرایی قانون انتخابات ریاست جمهوری جایی صحبت از انعکاس گزارش نمایندگان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در گزارش هیات مرکزی نظارت و ستاد انتخابات کشور نیست: ماده ۶ - "مراجع ذیصلاح قانونی در مورد ارسال گزارشات بازرسان (موضوع تبصره ۵ ذیل ماده ۸۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری) عبارتند از: شورای نگهبان، هیات مرکزی نظارت (شورای نگهبان (و ستاد انتخابات کشور (وزارت کشور)" ... نمایندگان نامزدها و مسئولان ستادهای انتخابات آنها در صورت مشاهده تخلف، گزارش خود را به صورت کتبی به ناظران شورای نگهبان و هیات نظارت شهرستان، استان و ستاد انتخابات کشور اعلام می کنند. ناظران و هیاتهای یاد شده و ستاد انتخابات کشور موظفند گزارشهای دریافتی را قبل از اتمام مهلت رسیدگی به شکایات (حداکثر سه روز پس از اعلام نتایج انتخابات) در اختیار هیات اجرایی شهرستان مربوط قرار دهند تا در جلسه مشترک هیات اجرایی و ناظران شورای نگهبان رسیدگی شود. پس از اتمام مهلت یاد شده، گزارشهای دریافتی به شورای نگهبان ارسال می شود "

چنانچه مشهود است جایی برای پاسخ گویی فوری به شکایات نمایندگان نامزدهای انتخاباتی و یا قطع و تکرار روند انتخاباتی و یا

احتمالا صدور قرار فوری پس از مراجعه نمایندگان نامزدها به مراجع قضایی پیش بینی نشده است. به علاوه با در نظر گرفتن مهلت مقرر برای رسیدگی به شکایات، "حداکثر سه روز پس از اعلام نتایج انتخابات"، امکانی برای توقف انتخابات در حوزه مربوطه در نظر گرفته نشده. شورای نگهبان بازبینی در پذیرش و یا رد تصمیمات خود را از طرف هیچ گونه نهادی، جز ولی فقیه، نمی پذیرد. در قوانین مربوط به قوه قضائیه نیز جایی برای دادرسی قانونی و رسیدگی به شکایات نامزدهای انتخاباتی در رابطه با تخلفات انتخاباتی و نقض حقوق نامزدها و رای دهندگان در نظر گرفته نشده است.

در مقایسه با قوانین مربوط به نظارت انتخاباتی در جمهوری اسلامی کشورهای اروپای مرکزی در قوانین انتخاباتی و اجرایی خود اصل را بر نظارت افتخاری نمایندگان احزاب سیاسی و یا منفردین شرکت کننده در انتخابات می گذارند. به طور مثال در نظام انتخاباتی آلمان فقط سازماندهی گرداندگی فنی و اجرایی انتخابات در سطوح فدرال (وزارت کشور فدرال)، ایالت ها (وزارت داخله ایالتی و ولایات (شهرداران ولایتی) به عهده وابستگان دستگاه اجرایی است. سرپرستان دولتی، به جز تدارک الزامات فنی، موظف به فراخواندن اعضای ستادهای انتخاباتی، مرکب از نمایندگان احزاب و افراد شرکت کننده در انتخابات هستند، که به این ترتیب تعیین می شوند: پس از مشخص شدن تاریخ انتخابات روسای هیئات های سرپرستی انتخابات در سطوح فدرال، ایالات و ولایات ناظرین انتخاباتی را از میان حائزین حق رای و عضویت در احزاب و یا گروههای وابسته به کاندیداها، به نسبت آرای به دست آورده در آخرین انتخابات مربوطه، به ستادهای انتخاباتی دعوت می کنند. این افراد می باید در مهلت قانونی از طرف احزاب و یا کاندیداها معرفی شده باشند. برای هر ناظر عضو ستاد انتخاباتی یک عضو جانشین نیز دعوت می شود. ستادهای ناظر انتخاباتی تا پایان دوره انتخابات و رسمیت کامل نتایج آن در مسئولیت قانونی و نظارتی خود باقی می مانند. اعضای ستادهای مربوطه، از هر حزب و دسته ای که باشند، حافظ رای همه رای دهندگان هستند و در تمامی مدت انجام وظایف مربوط به نظارت بر انتخابات حق ندارند علنای همراه داشته باشند که نشان از تعلق حزبی و سیاسی خاص آنان داشته باشد. آموزش کامل قانونی و حقوقی ناظرین بر صحت و سلامت انتخابات به عهده نهادهای محلی دولتی است. نهادهای دولتی به تاکید موظفند که نیروهای کمکی مورد احتیاج ناظرین انتخاباتی را تامین کنند.

در مشروعیت خواست صیانت از آرا

رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور برای انتخابات دهم ریاست جمهوری، آقای کامران دانشجو، وجود ۳۶۸ حوزه و چهل و هشت هزار شعبه انتخاباتی را گزارش کرده است، که طبق مقررات موجود، چنانچه تعداد نامزدهانی که از صافی شورای نگهبان گذشته اند از شش نفر بیشتر نباشد، هر نامزد ریاست جمهوری می تواند در هر یک از ۴۸ هزار شعبه انتخاباتی نماینده ای را به عنوان "نماینده حاضر" و نه "ناظر" در شعبه انتخاباتی داشته باشد. از آنجا که حاکمیت در جمهوری اسلامی پذیرای آزادی احزاب نیست و جمعیت های سیاسی موجود نیز از ساختارها و سازماندهی حزبی به معنی احزاب واقعی و آزاد در سطوح کشوری برخوردار نیستند، عملا امکان فرستادن ۴۸۰۰۰ نماینده واجد شرایط برای حضور در تمامی شعبه های انتخاباتی، به تفکیک ۳۲ استان، ۳۰۰ شهرستان و ۹۰۰ بخش کشور، وجود نخواهد داشت. گذشته از این به تجربه دیده شده که در شعبه های انتخاباتی اکثرا افرادی رفت و آمد دارند، که نه تنها حضورشان در هیچ یک از قوانین مربوطه بینی نشده، بلکه علنا مانع "نظارت" کارساز نمایندگان کاندیداها بر اخذ، شمارش، کنترل متقابل آراء و صورت جلسه مستند بوده و در مواردی حتی از ورود نمایندگان نامزدهای انتخاباتی به محل اخذ رای جلوگیری شده است. خواست ایجاد کمیته های "صیانت از آراء"، با توجه به اینگونه تجربیات مکرر و منفی، برای مقابله با تخلفات انتخاباتی و آموزش و حمایت از نمایندگان کاندیداها در حوزه های اخذ رای کاملا محقق بوده و هیچگونه مغایرتی با قوانین موجود مربوط به انتخابات نیز ندارد.

انتخابات و مشکل به جای مانده دخالت نظامیان

قوانین و مقررات موجود دخالت نظامیان در فعالیت های سیاسی و دخالت در انتخابات را ممنوع دانسته و برای تخلف از آن مجازات تعیین نموده اند. چکیده مقررات قانونی:

۱- نیروهای نظامی و انتظامی حق دخالت در امور انتخابات اعم از امور اجرایی و نظارت را ندارند (ماده ۲۴ قانون انتخابات ریاست

جمهوری و ماده ۱۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

۲- نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نمی توانند از طرف هیچ نامزدی نمایندگی یا نظارت داشته باشند. (تبصره ۴ ماده واحده قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری)

۳- مداخله، شرکت یا فعالیت کارکنان نیروهای مسلح در دسته بندی ها، مناقشه های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی ممنوع و جرم تلقی و مرتکبین به شش ماه تا ۳ سال حبس محکوم می گردند. (ماده ۴۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح)

گرچه در انتخابات نهم ریاست جمهوری نیروهای سپاه و بسیج با فعال کردن تمامی شبکه های تشکیلاتی خود در سراسر کشور بدون پنهانکاری و خلاف قوانین و مقررات موجود به نفع آقای احمدی نژاد به جمع آوری آرا پرداخته بودند، ولی برای رفتار قانون شکنانه و قابل مجازات خود به دنبال توجیه و مشروعیتی نبودند. این رفتار آستانه انتخابات دهم ریاست جمهوری و حتی یک سال پیش از آن به کلی تغییر یافت.

محمد علی جعفری فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک سال پیش از انتخابات، پس از آنکه با انتقاد نیروهای اصلاح طلب اسلامی روبه رور شد، آشکارا تسلط نیروهای ملقب به "اصولگرا" بر قوه مقننه و مجریه را "انقلاب در انقلاب" نامید و در پاسخ به نگرانی های مربوط به مداخله مجدد بسیجیان در انتخابات ریاست جمهوری به نفع رئیس جمهور وقت اعلام کرد: "بخشی از بسیج که فعالیت های نظامی ندارد مجاز است وارد مباحث سیاسی (منظور تبلیغات انتخاباتی) شود". وی در ادامه تعبیر قانونی خود را با استناد به گفته های آیت الله خمینی، به تاریخ چهارم آذر ماه ۱۳۵۸، که به عنوان دستور تشکیل نظامی بسیج در سراسر کشور تعبیر شد، اینگونه بیان کرد: آن بخش از بسیج که جزو نیروهای مسلح محسوب نمی شود "در رابطه با انقلاب خود" مجاز به ورود در مباحث سیاسی و فعالیت های موثر در این زمینه است". فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز ۱۸ بهمن ماه در جمع مسئولان بسیج دانشجویی یکصد دانشگاه کشور گفته بود: "برای تداوم راه انقلاب اسلامی، حمایت از جریان اصولگرایی ضرورتی قطعی، اجتناب ناپذیر و تکلیف الهی نیروهای انقلابی و ارزشی کشور به شمار می آید"...

بسیج به عنوان بخشی از جامعه باید بداند که در رابطه با انتخابات چطور کار و حرکت کند.

فرمان تشکیل بسیج، آمادگی برای جنگ با آمریکا یا مداخله در انتخابات

اگر استناد فرمانده سپاه به آخرین پیام آیت الله خمینی، چهارم آذرماه ۱۳۵۸، توجیه تشکیل یک سپاه سربازخانه نشین ویژه به نام سپاه بسیج، برای کنترل و سرکوب حقوق اساسی شهروندان بوده باشد، آدرس دادن به این پیام کاملاً بی جا است، چه منظور آیت الله خمینی در آن زمان آماده سازی نظامی ایرانیان برای درگیری احتمالی جنگی با ایالت متحده آمریکا بود. بخش هایی از متن پیام نامبرده آیت الله خمینی چنین است: "شما غافلید که الان با آمریکا که مجهز به همه جهاز های درجه اول دنیاست یعنی یک قوه ای است که در دنیا مقابل ندارد روبرو هستید، اما ما مجهزیم به یک قدرت بالاتر از او و آن توجه به خدا و به اسلام است ولی نباید فراموش کنیم ما مواجهیم با یک چنین قدرت بزرگ که علاوه بر قدرت تسلیحاتی، قدرت های بزرگ شیطانی هم دارد که الان در همه دنیا فعالیت و تبلیغات می کند و وادار می کند ممالک دیگر را که آنقدر که بتوانند تجهیز کنند از این جهت من آن چیزی را که به صلاح ملت و به صلاح اسلام است و به صلاح شماست باید عرض کنم و آن اینکه تشنج صحیح نیست قوای شما باید الان همه مجتمع در یک راه باشد... سروصدای امروز، فقط مقابله با امریکاست امروز هر سر و صدائی بلند بکنید که غیر از این مسیر باشد، بدانید که بردش را آنها دارند... هرچه تظاهرات دارید بر ضد امریکا بکنید قوای خودتان را مجهز بکنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستانتان تعلیم دهید، به همه اشخاصی که همین راه می روند تعلیمات نظامی بدهید مملکت اسلامی باید همه اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد... همه جا باید اینطور بشود که یک مملکتی بعد از چندسالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تنفگذار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته..."

پس از فوت آیت الله خمینی فرمان "تشکیل سپاه بسیج" و وظایف بسیجیان در متنی که سی ام خرداد ماه ۱۳۶۹ تحت عنوان "مأموریت و وظایف نیروی مقاومت بسیج سپاه - مصوب مقام معظم فرماندهی کل قوا" منتشر شد چنین تعیین شد:

مأموریت :

الف) جذب و آموزش عمومی آحاد مردم و سازماندهی و تجهیز و بکارگیری آنان در رده های مقاومت بمنظور تشکیل ارتش بیست میلیونی و مقاومت مردمی در دفاع از کشور و انقلاب و دست آوردهای آن

ب ... )

## وظایف :

۱- جذب آحاد مردم از تمامی اقشار و صنوف از قبیل کارگران، کشاورزان، طلاب دانشجویان، دانش آموزان، زنان، عشایر، کارمندان بمنظور تشکیل ارتش بیست میلیونی از طریق ایجاد رده های مقاومت بسیج در مساجد، ادارات، کارخانجات و مراکز آموزشی با بهره گیری از همکاری های دولت و نهادهای انقلاب اسلامی و سایر مؤسسات و اصناف

۲- آموزش عمومی نظامی اعضاء بسیج

۳- آموزش عقیدتی سیاسی اعضاء بسیج زیر نظر و از طریق نماینده مقام معظم رهبری

۴- سازماندهی اعضاء بسیج و آمادگی در آنان برای مقاومت مردمی و دفاع از کوی و برزن

بنا بر آنچه آمد دلیل وجودی و وظیفه سپاه بسیج چیزی جز نظامی گری و تربیت نظامی مردم برای مقابله با خطرهای احتمالی برای موجودیت نظام موجود نیست. به ویژه آنکه فرماندهی نیروهای بسیج نیز به فرمانده کل سپاه پاسداران واگذار شده است. در فصل دوم، ماده ۹ اساسنامه سپاه پاسداران، مصوب پانزدهم شهریور ماه یک هزار و سیصد و شصت و یک مجلس شورای اسلامی، "برنامه ریزی، سازماندهی، اداره و فرماندهی و اجرای آموزشهای عقیدتی، سیاسی و نظامی اعضاء بسیج.. به سپاه پاسداران واگذار شده. در فصل چهارم همین اساسنامه (اساسنامه واحد بسیج مستضعفین) در تبصره مربوط به ماده ۳۶ تمامی ارگانهای بسیج در سپاه پاسداران متمرکز می شوند" کلیه سازمانها و ارگانهایی که با نامهای گوناگون در زمینه آموزش نظامی و آماده سازی در بسیج مردم فعالیت دارند بجز خدمت وظیفه عمومی منحل گردیده و این فعالیتها در سپاه متمرکز می گردد."

"تهدیدات نرم داخلی"، گسترش اختیارات بسیج و حضور جانبدارانه در انتخابات

بهمن ماه ۱۳۸۷، آقای محمد علی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران به اطلاع افکار عمومی رساندند که بنا به تصمیم آیت الله علی خامنه ای، وظیفه مقابله با تهدیدات نرم به نیروی بسیج واگذار شده است. فراتر از آن به عقیده ایشان «تهدیدات فقط جنبه نظامی ندارد و دشمن در این زمینه به انجام تهدیدات امنیتی و نرم روی خواهد آورد. لذا باید آماده مقابله با این تهدیدات شد.» موارد تهدیدات و براندازی نرم نیز بنا بر آنچه وزیر اطلاعات، فرماندهان سپاه و ارگانهای وابسته به آن (هفته نامه صبح صادق) گفته اند، چنین تعریف می شود: اعتصاب ها و تظاهرات صنفی - کارگری، جریانان فمینیستی، نهادهای مدنی و فعالیت های محیط دیستی، «امپریالیسم سایبر»، شورش ها و اعتراض های شهری، گروههای مدافع حقوق بشر و حقوق مدنی - سیاسی، مطالبات نهادهای دانشگاهی دانشجویی، «انقلاب مخملی اینترنتی» و به طور کلی هرگونه فعالیت و عملکردی که با خواست گشایش فضای سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی بیان آزادی و اجتماعات، حقوق سندیکایی یا تشکیل نهادهای غیر دولتی همراه باشد. طرف فرمانده سپاه تاکید می کند که "امکانات بسیج به مراتب بیشتر از سایر نهادهای حکومت، از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات است. در حقیقت، ۵۰ درصد وظایف سپاه به بسیج انتقال یافته و به خصوص در دوره اخیر بودجه

بسیج دو برابر شده و برای آنها مأموریت های مختلفی منظور شده است". به طور مثال "برای مقابله با شورش ها و اعتراض های شهری" ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ گردان تشکیل شده اند (هرگردان عبارت است از ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ نظامی). در توجیه دگرذیسی وظایف سپاه، از نیروی دفاعی نظام در مقابل تهدیدات خارجی به نیروی سرکوبگر داخلی، چنین استلال شده که "این بسیجیان بودند که توانستند در مقابل نا امنیها و نا آرامی های سال های ۷۸، ۷۹ و ۸۰ در تهران بایستند. در آینده نیز دشمن در صدد ایجاد چنین معضلاتی برای نظام خواهد بود که ما باید با تدبیر از انجام آنها جلوگیری کنیم". از آنچه آمد می توان به یقین گفت که در شرایط حاضر نیروهای وابسته به بسیج در تقابل با حقوق شهروندی - مدنی قرار گرفته و حضورشان در صحنه انتخابات با هدف به کرسی نشاندن کسی انجام می گیرد که به عنوان رئیس جمهور از حمایت ولی فقیه و فرماندهان سپاه پاسداران بر خوردار باشد. در توجیه روال انجام گرفته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با آگاهی از مقاومت نامزدهای رقیب انتخاباتی در برابر مداخلات تبلیغاتی سپاه عظیم بسیج به نفع رئیس جمهور کنونی، در بیانیه بیست و سوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ خود منکر ممنوعیت قانونی دخالت بسیج در فرایند انتخابات ریاست جمهوری شد و قانون منع مداخله نیروهای نظامی در انتخابات را با استناد به ماده ۱۳ قانون مقررات استخدامی خود تنها شامل "بسیجیان ویژه" دانست، بدون توجه به اینکه فلسفه و منطق وجودی بسیج در هر گونه دسته بندی که تعریف شده باشد نظامی بودن و تحت پوشش سپاه پاسداران بودن است. در مقررات استخدامی سپاه علاوه بر گروه الف، که صاحب مزایا است، حقوق بگیر استخدام شده نیست، ولی "پس از گذراندن دوره آموزش عمومی با عناوین "بسیج دانش آموزی"، "بسیج دانشجویی"،

"بسیج پزشکان"، "بسیج کارگری"، "بسیج اساتید"، "بسیج فرهنگیان"، "بسیج ورزشکاران و ... " به خدمت ارتش بیست میلیونی" در آمده و سازماندهی می‌شوند، دو گروه اصلی با اسامی "بسیج فعال" و "بسیج ویژه" سپاه دائمی بسیج را تشکیل می‌دهند. تنها فرق "بسیج فعال" با "بسیج ویژه" این است که دومی در سطح سپاهیان از تربیت نظامی - سیاسی و عقیدتی گسترده تری برخوردار است، و با لقب "پاسدار افتخاری"، به طور تمام وقت در ساختار سپاه استخدام و ادغام شده است. حضور "بسیج فعال" در ساختار سپاه کم و بیش مشابه است، ولی از همه مزایای "پاسداران افتخاری" برخوردار نیستند.

در انتخابات ریاست جمهوری نهم "بسیج عادی" و "بسیج فعال" دوش به دوش به نفع آقای احمدی نژاد هم رای جمع می‌کردند و در اشکال متفاوت در شعبه های انتخاباتی هم حضور غیر مجاز داشتند. گفته اخیر آقای مهدی کروبی که "اگر ناظرین ما را راه ندهند، آنها را پشت سر هم بمباران خبری می‌کنیم" به این تجربه با نظامیان در انتخابات گذشته اشاره دارد، که تکرار آن در بند ۷ بیانیه اردیبهشت ماه سپاه پاسداران تهدید شده است: "بنا به فرمان تاریخی حضرت امام خمینی(ره) مقرر است این مملکت بیست میلیون بسیجی داشته باشد و بنا به تاکیدات مقام معظم رهبری و با توجه به افزایش جمعیت کشور، باید بسیج ده ها میلیونی تشکیل شود؛ آیا هیچ عقل سلیمی می‌پذیرد که این جمعیت عظیم و تاثیر گذار به جرم اعلام آمادگی در شرایط خاص برای دفاع از کشور و انقلاب از صحنه های سرنوشت ساز کشور حذف و کنار زده شود؟"

رسانه های دولتی و گزارشگری فرمایشی در انتخابات

در فصل ششم قانون انتخابات ریاست جمهوری کنترل تبلیغات نامزدهایی که از صافی شورای نگهبان گذشته اند به "کمیسیون بررسی تبلیغات ریاست جمهوری" در وزارت کشور واگذار شده است.

اعضای این کمیسیون عبارتند از:

۱- دادستان کل کشور یا نماینده تام الاختیار او.

۲- وزیر کشور یا نماینده تام الاختیار او.

۳- مدیر عامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران یا نماینده تام الاختیار او.

تبصره - شورای نگهبان می‌تواند یک نفر از میان اعضای خود یا از خارج را به منظور نظارت بر کار کمیسیون مزبور تعیین نماید. طبق ماده ۶۵ همین قانون هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری حق دارند "به طور مساوی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای معرفی و ارائه برنامه های خود استفاده نمایند". همین جا همزمان تعیین "ترتیب و تنظیم برنامه تبلیغات نامزدهای انتخاباتی از طریق صدا و سیمای" به "کمیسیون بررسی تبلیغات" واگذار شده است. با در نظر گرفتن ترکیب این کمیسیون و وابستگی اعضای تعیین کننده آن به نصب و عزلشان از طرف "رهبر"، احتمال استفاده از حق برابر تبلیغاتی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی بیش از آنکه واقعی باشد، صوری است و این خود یکی از مصادیق نظارت بر انتخابات و امکان دسترسی آزاد کاندیداها به رسانه هاست. صدا و سیمای جمهوری اسلامی هفته ها پیش از آغاز نام نویسی نامزدهای انتخاباتی در خدمت تبلیغاتی دولت نهم قرار گرفته بود و به همین دلیل ظن عمومی بر آن بوده و هست، رئیس صدا و سیمای، که با سرمایه ملت اداره می‌شود، بدون حمایت و یا دستور نهاد انتصاب کننده خود به رسانه تبلیغاتی دولت حاکم تقلیل نمی‌یافت.

منشور معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه

«معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه» در اجلاس یکصد و پنجاه و چهارم شورای اتحادیه بین‌المجالس، (۶ فروردین ۱۳۷۳)، با تصدیق مکرر اهمیت اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، به اتفاق آراء به تصویب نمایندگان پارلمان‌های ۱۱۲ کشور، از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران رسیده است. این منشور در مورد شرایط لازم و قانونی برای فعالیت های نامزد های انتخاباتی معیارهایی را تعیین نموده که عدم رعایت آنها از طرف حکومت ها هر نامزد انتخاباتی و رای دهنده‌ها را محق به شکایت به مراجع قانونی داخلی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌نماید. ماده ۳ این منشور حقوق و مسئولیت‌های کاندیداتوری، فعالیت حزبی، و کارزار انتخاباتی را از جمله چنین تعیین کرده است:

۱) (هر کس حق دارد در اداره‌ی کشور خویش مشارکت داشته باشد و می‌باید از امکان برابر برای کاندیدا شدن در انتخابات

برخوردار باشد. معیارها برای مشارکت در حکومت در تطابق با قانون اساسی و دیگر قوانین کشور تعیین می‌گردند و نمی‌توانند با

مسئولیت های بین المللی کشور (اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون های حقوق مدنی و سیاسی) ناسازگار باشند .

۳) (هرکس بنوبه‌ی خود و یا همراه با دیگران حق دارد که:

• دیدگاههای سیاسی خود را بدون مداخله‌ی دیگران بیان دارد،

• اطلاعات بخواهد، اطلاعات بگیرد، و اطلاعات بدهد و گزینه‌ای آگاهانه ارائه دهد،

• برای کارزار انتخاباتی در سطح کشور آزادانه رفت و آمد کند،

• بر اساس برابر با دیگر احزاب سیاسی از جمله حزب حاکم به فعالیت انتخاباتی بپردازد.

۴) (هر کاندیدای انتخابات و هر حزب سیاسی می‌باید دسترسی برابر به رسانه‌ها - بویژه رسانه‌های اطلاع‌رسانی جمعی - داشته باشد تا بتواند دیدگاههای سیاسی خود را عرضه دارد

۶) (هر فرد و حزب سیاسی از حق حمایت قانونی برخوردار است و نقض حقوق سیاسی و انتخاباتی اش باید جبران شود.

۱۱) (هر کاندیدا یا حزب سیاسی که در انتخابات شرکت می‌کند باید نتیجه‌ی انتخابات آزاد و منصفانه را بپذیرد.

ماده ۴ منشور حقوق و مسئولیتهای حکومت را چنین تعیین می‌کند

۱) (حکومت می‌باید مراحل قانونگذاری و دیگر اقدامات لازمه را - همگام با روندهای قانونی کشور و تعهدات در برابر قانون بین الملل - به اجرا درآورد تا حقوق و چهارچوبها برای برگزاری انتخابات دوره‌ای، راستین، آزاد، و منصفانه تضمین گردد. به‌ویژه، حکومت باید:

• روندی کارآمد، بیطرف، و بدون از تبعیض را برای نام‌نویسی رأی دهندگان برقرار سازد،

• زمینه برای شکل‌گیری و فعالیت آزاد احزاب سیاسی را فراهم کند؛ تأمین مالی احتمالی احزاب سیاسی و کارزارهای انتخاباتی را برعهده گیرد؛ جدایی حزب از حکومت را تضمین نماید؛ و شرایط را برای رقابت منصفانه در انتخابات برای قوه‌ی قانونگذاری را بوجود آورد،

۲) (علاوه بر این، حکومت می‌باید سیاست‌هایی اتخاذ کند و گامهای ساختاری لازمی را بردارد تا دستیابی به اهداف دموکراتیک به پیش رفته و تحکیم شوند؛ از جمله از طریق ایجاد مکانیسمهای غیرجانبدارانه یا متوازن برای برگزاری انتخابات. در پیشبرد این امر می‌باید، در کنار دیگر اقدامات،

• مسئولان جنبه‌های مختلف برگزاری انتخابات آموزش دیده باشند و بیطرفانه کار خود را انجام دهند، و اینکه روند رأی‌گیری مفهوم و جاافتاده باشد، و مردم با این روند آشنا باشند،

• از نام‌نویسی رأی دهندگان اطمینان حاصل شود، پروسه‌های رأی‌گیری و فهرست رأی دهندگان بهنگام باشند، و اگر لازم باشد، این امور با کمک ناظران بین‌المللی صورت بگیرند،

• احزاب و کاندیداها و رسانه‌ها تشویق شوند که معیارهای رفتاری و اخلاقی مشترکی را پذیرفته و کارزار انتخاباتی و رأی‌گیری را بر آن مبنا هدایت کنند،

• سلامتی پروسه‌ی رأی‌گیری را با در پیش‌گرفتن اقدامات مناسب تأمین نماید تا تنها کسانی که واجد شرایط هستند رأی دهند و کسی بیش از یکبار رأی ندهد،

• سلامتی پروسه‌ی شمارش آرا تأمین شود.

۳) (حکومت می‌باید به حقوق انسانی تمامی افراد کشور خود که مسئولیتشان را به عهده گرفته‌اند احترام گذاشته و این حقوق را تأمین کند. بنابراین، به‌هنگام انتخابات، حکومت و ارگان‌های آن می‌باید:

• آزادی رفت و آمد، آزادی گردهمایی، آزادی سازماندهی، و آزادی بیان را تأمین نماید؛ بویژه در رابطه با اجتماعات و گردهمایی‌های سیاسی،

• آزادی احزاب و کاندیداها را برای در میان‌گزاردن دیدگاه‌های خود با رأی دهندگان تأمین کند، و امکان دسترسی برابر احزاب و کاندیداها به رسانه‌های حکومتی و ملی را فراهم کند،

• گام‌های لازم را در جهت تأمین پوشش خبری غیرجانبدارانه در رسانه‌های حکومتی و ملی بردارد.

۴) (برای تأمین منصفانه بودن انتخابات، حکومت‌ها باید تدابیر لازم را به کار گیرند تا احزاب و کاندیداها از فرصت‌های معقول برای

ارائه برنامه‌ی انتخاباتی خود برخوردار باشند.

۵) (حکومت‌ها باید تمام اقدامات لازم و مناسب را انجام دهند تا اصل مخفی بودن رأی مخدوش نشود و رأی‌دهندگان بتوانند آزادانه و بدون هراس و خطر تهدید رأی بدهند.

۶) (علاوه بر این، مقامات حکومتی باید جلوی تقلب و دیگر اقدامات خلاف را در جریان رأی‌گیری بگیرد و امنیت و سلامت روند رأی‌گیری را تأمین نماید. شمارش آرا می‌باید توسط کارکنان آموزش دیده انجام پذیرد، و کار شمارش آرا تحت نظارت صورت گیرد و/یا قابل بازبینی باشد.

۷) (حکومت‌ها باید تمامی اقدامات لازم و مناسب را انجام دهند تا کل پروسه‌ی انتخابات شفاف باشد. این امر، برای نمونه، می‌تواند از طریق حضور نمایندگان احزاب و ناظران معتبر عملی شود.

۸) (حکومت‌ها باید اقدامات لازم را انجام دهند تا احزاب، کاندیداها، و هوادارانشان از امنیت یکسان برخوردار باشند و مسنولان حکومتی می‌باید گام‌های لازم را برای جلوگیری از خشونت در انتخابات بردارند.

۹) (حکومت‌ها می‌باید این امکان را فراهم آورند که نقض حقوق بشر و شکایتها در مورد پروسه‌ی انتخابات بسرعت و بطور کارا، و در چهارچوب زمانی انتخابات، از سوی یک هیئت مستقل، و بیطرف - همچون کمیسیون نظارت بر انتخابات یا دادگاهها - رسیدگی شوند.

نا کام ماندن "کمیته دفاع از انتخابات آزاد" و رد نظارت "کمیته های صیانت از آرا "

این کمیته که به ابتکار کانون مدافعان حقوق بشر تشکیل شده است، رسالت خود را در دفاع از حقوق شهروندی اینگونه تعریف کرده است: "این کمیته با تعیین معیارهای شناخته شده انتخابات آزاد، سالم و عادلانه طبق ضوابط تعریف شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین مربوط به آن و بیانیه اتحادیه بین المجالس مصوب ۲۶ مارس ۱۹۹۴ به بررسی عملکرد مسوولان و مجریان انتخابات و ارزیابی آنها می پردازد، و همچنین بر آن است که با تعیین شرایط و ضوابط انتخابات آزاد، سالم و عادلانه بتواند بستری را فراهم نماید تا در صورت تحقق، یکایک شهروندان بتوانند با آزادی و آگاهی بیشتری در تعیین سرنوشت خویش اقدام نمایند." در تداوم این ابتکار و به کار برد آن در انتخابات ریاست جمهوری دهم پیشنهاد ایجاد "کمیته های صیانت از آراء" به جامعه مدنی عرضه شد، که تمامی پیشنهادها با مخالف وزیر کشور، سخنگوی شورای نگهبان و برخی از نمایندگان مجلس روبرو شدند. شورای نگهبان و نهاد انتصاب کننده آن خود را تنها مرجع ذیصلاح برای تشخیص آزادی و سلامت انتخابات دانسته و هرگونه نظارت بین المللی و کمیته های ملی نظارت بر انتخابات را غیر قانونی اعلام کرده اند. به گفته محمد سیف زاده، حقوقدان، دولت و شورای نگهبان با هر گونه تشکل آزاد و مستقل مخالفند است و به خوبی می دانند که قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی با قانون اساسی موجود در تضاد است و قانون اساسی نیز در اجزای خود با ضوابط پیش بینی شده برای یک انتخابات آزاد مطابقت ندارد. چه باید و چه میتوان کرد؟

از آنجا که در قانون اساسی جمهوری اسلامی و سایر قوانین مربوطه امکان دادرسی و ارائه شکایات مربوط به نقض حقوق اساسی، مدنی و سیاسی و حقوق انتخاباتی نادیده گرفته شده است و شورای نگهبان قانون اساسی که خود یکی از نهادهای نقض کننده حقوق اساسی شهروندان ایران است، خود را تنها مرجع ذیصلاح برای تفسیر قوانین موجود می داند، تنها امکان حق طلبی مراجعه به نهادی است که مشروعیت آن بنا به تعهدات متقابل در معاهدات بین المللی از طرف دولت ایران نیز پذیرفته شده است. این نهاد "شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد" است. بر این روال چنانچه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دهم، پذیرفته شدگان، رد صلاحیت شدگان و رای دهندگان آنان، بر این نظر باشند که در مراحل گوناگون انتخاباتی حقوق اساسی اشان پایمال شده و امکان دادجویی در مراجع قانونی کشوری را نیافته اند، می توانند به شورای حقوق بشر شکایت کنند. استنادات این شکایتنامه می تواند چنین باشد :

بنا به سر پیچی حکومت جمهوری اسلامی ایران از اجرای تعهدات بین المللی خود در زمینه حقوق مدنی و سیاسی شهروندان و در راس آن مفاد مربوط به آزادی احزاب و انتخابات، ما اعتراض خود را با استناد به:

۱. ماده نوزدهم و بیستم اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد حق آزادی عقیده و بیان وحق آزاده تشکیل مجامع و جمعیت های

مسالمت آمیز، و با استناد به

۲. ماده بیستم، بیست و یکم و بیست و پنجم کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

به آن شورا گزارش می دهیم، تا طبق ضوابط پیش بینی شده در پروتکل تمکینی و بخش چهار کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی به آن رسیدگی کرده و دولت ایران را به عنوان متهم به نقض حقوق برشمرده به پاسخگویی و تمکین به تغییر قوانین مورد اعتراض، در مدت زمان معین، دعوت کند.

موارد مورد اعتراض:

۱. عدم امکان برخورداری احزاب و جمعیت های سیاسی از حق فعالیت آزادانه و مسالمت آمیز در داخل کشور

۲. عدم امکان انتخاب شدن، انتخاب کردن و برخورداری از حقوق مربوطه، طبق موازین پیش بینی شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی

۳. عدم امکان دستیابی اقلیت های مذهبی به مسئولیت های کشوری و تبعیض مذهبی در عهده دار شدن مقامات اجرایی و قضائی کشور.

از آن جا که پیرو ماده دو پروتکل تمکینی و بخش چهار کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی معترضان به نقض حقوق برشمرده ابتدا ملزم به طرح اعتراض خود در مراجع داخلی هستند و در عین حال در قانون اساسی ایران هیچ گونه نهادی برای دادرسی در موارد نقض حقوق مندرج در همین قانون نیز پیش بینی نشده است، ما اعتراض خود برای رعایت مقررات پروتکل تمکینی و کنوانسیون های نامبرده هم زمان به رئیس قوه قضائیه ایران و کمیسیون ماده نود قانون اساسی ایران در مجلس شورای اسامی برای رسیدگی ارسال می داریم .

مهران براتی

<http://news.gooya.com/politics/archives/2009/05/088261.php>